

نوشته سوزان ندیمی

ترجمه از انگلیسی به فارسی: دکتر عطاء الله ندیمی

پروین اعتصامی شاعری شیرین سخن و مبارزی خاموش



ایران برای قرون متمادی به عنوان مهد شعر و ادب شناخته شده است. برخی برخاستن تعداد بسیار شعرای نامدار از این خطه را به تمدن مشع و وضع آب و هوای آن مربوط می‌دانند. باید به خاطر داشت که تاریخ اجتماعی و عقیدتی همین سرزمین باعث شده است راه‌های شکوفایی و خلاقیت به روی بسیاری از شعرای زن مسدود باشد بدین سبب می‌بینیم از این کشور تنها چند شاعره ظهور نموده‌اند که یکی از آنان پروین اعتصامی است.

پروین اعتصامی در منطقه‌ای می‌زیست که به عنوان پلی بین دنیای جدید و دنیای قدیم محسوب می‌شد و تغییرات اجتماعی و سیاسی در آن ناحیه در حال تجسم بود لذا پروین این موقعیت را پیدا کرد که خوبیها و کزی‌های هر دو تمدن را تجربه نماید. برخی از منتقدین بر او خرده‌ها گرفته‌اند و با مقایسه با شعرای هم‌زمانش کارهایش را بی‌ارزش شمرده‌اند. بعضی او را دارای شخصیتی ضعیف و نرم دانسته و گفته‌اند جنس — محیط زندگی و مرگ زودرس مانع از نیل او به اوج شکوفایی گردیده است. قضاوت عادلانه درباره پروین مستلزم ارزیابی دقیق سوابق خانوادگی، محیط اجتماعی آن زمان، موقعیت

زنان در آن عهد، کردار، گفتار و رفتار و رفتار و آنگاه بررسی مجموعه اشعار وی می‌باشد. بعد از مذاقه در زندگی کاملاً روشن می‌شود که پروین نه تنها شاعره‌ای خوش ذوق و بزرگ است بل در زیر ظاهر نرم و آرام او قدرت روحی عظیمی نهفته بوده است و همین شخصیت و استعداد سبب آفرینش اشعار نغز شده است. مشهور است که پروین اعتصامی در بیست و پنجم اسفندماه سال ۱۲۸۶ تولد یافته است اما درباره زادگاهش اختلاف است. در برخی از نوشته‌ها تهران، محل تولد او آمده است اما اکثر نویسندگان از جمله برادرش تبریز را بدین عنوان معرفی می‌نمایند. برادرش بدین نکته اشاره می‌کند و می‌گوید وقتی پروین اعتصامی و اعضای خانواده به تهران نقل مکان نمودند پروین خردسال بود. نام پدر مشهور و تحصیل کرده اش میرزا یوسف اعتصامی ملقب به اعتصام الملک بود که با سردبیری روزنامه بهار و ترجمه برخی آثار مهم ادبی زبان عربی و فرانسوی مانند بینوایان مقام رفیعی را در دنیای روزنامه‌نگاری و ادب آن روز ایران بخود اختصاص داده بود.

باید اشاره شود بهار یکی از اولین مجلات ادبی و مشهور ایران به سال ۱۲۸۹ توسط میرزا یوسف شکل گرفت و تنها دو دوره یکی به سال ۱۲۸۹ و سری دیگری در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ چاپ و منتشر گردید.

مادر پروین که کمتر ذکری از او به میان آمده زنی فداکار بود، او زندگی خود را وقف سرور و سعادت و خوشبختی خانواده کرده بود. سی و دو سال بعد از مرگ دخترش زندگی کرد و در خردادماه سال ۱۳۵۲ بدرود حیات گفت. او علاوه بر پروین دارای سه پسر بود یکی بزرگتر از پروین و دو دیگر کوچک‌تر. بعداً یکی از آنان بنام ابوالفتح اعتصامی دیوان کامل پروین اعتصامی را شامل ۲۱۱ قطعه در تهران چاپ و منتشر ساخت. این دیوان دارای مقدمه‌ای از ملک الشعرای بهار است.

پروین در اثر همت و گشاده‌دستی پدر آزادیخواهش توانست آموزش جدید و تعلیمات کلاسیک ادبی را توأماً تحصیل نماید. آموزش علوم جدید را در مدرسه دخترانه آمریکایی تهران که بنام مدرسه ایران بتل شهرت داشت فرا گرفت. این مدرسه بسال ۱۲۵۳ شمسی توسط میسونرهای آمریکایی بنیاد نهاده شد، بعداً تحت سرپرستی دانشگاه نیویورک درآمد. ابتدا مخصوص تحصیل دانش‌آموزان خارجی بود ولی به سال ۱۲۸۹ درهای آن به روی محصلین ایرانی نیز گشوده شد. پروین در خردادماه سال ۱۳۰۳ به سن ۱۷ سالگی از این مدرسه فارغ‌التحصیل شد. برخی مؤلفین معتقدند پروین با وجودیکه در مدرسه

آمریکایی تحصیل نمود ولی خصوصیات اسامی زنهای شرقی را حفظ کرد. پروین بموازات تحصیلات علوم جدیده ادب کلامیک فارسی و عربی را از پدر و معلمین خصوصی آموخت. بخش مهم دیگری که در افزایش معلومات او تأثیر فراوان داشت وجود شرکت کنندگان در دوره های ادبی پدرش بود. میرزایوسف و یاران ادیبش گردهم آیی هایی در خانه او برپا می داشتند و چنین نقل شده است که پروین وقتی از مدرسه به خانه باز می گشت کتاب و لوازمش را بگوشه ای می انداخت و به مجمع آنها می پیوست و از دانش و تبحر شرکت کنندگان سود می جست. او هم چنین پدرش را در تمام سفرهای داخل و خارج از ایران همراهی می نمود. بدین ترتیب نه تنها کاملاً با فرهنگ ایرانی و فرهنگ عرب آشنایی یافت بلکه تا حدی با فرهنگ غربی آشنا گشت. پروین بعد از فارغ التحصیلی از دبیرستان برای مدتی کوتاه به تعلیم در مدرسه آمریکایی اشتغال یافت. سپس در سال ۱۳۱۳ با پسرعموی پدرش ازدواج نمود. همسرش افسر نظمی بود و به علت عدم درک وی از دنیای درونی و افکار پروین از ابتدای زناشویی با هم سازگاری نداشتند. مدت دو ماه و نیم در کرمانشاه آن روز با شوهر زندگی کرد بعد از آن از یکدیگر جدا شدند و طلاقشان در همانسال در تهران اعلام شد. زندگی پروین بدون حادثه مهمی ادامه داشت تا اینکه در دی ماه سال ۱۳۱۷ در اثر مرگ پدرش به رنج و الم عظیمی مبتلا گشت و از تنها حامی تمام زندگیش محروم گردید. آخرین تغییر زندگیش اشتغال در کتابخانه دانشسرای عالی دانشگاه تهران بود که به مدت چند ماه در سال ۱۳۱۸ بیشتر طول نکشید. پروین در اوائل فروردین ۱۳۲۰ به بیماری حصبه مبتلا گشت و پس از ۱۲ روز در ۱۶ فروردین همان سال در سن ۳۴ سالگی، منعالمال و سه ماه بعد از فقدان پدرش زندگی را بدرود گفت. پیکرش در کنار مزار پدرش در آرامگاه خانوادگی در جوار بقعه متبرکه در شهر مقدس قم بخاک سپرده شد و سنگ قبرش با شعری که خود برای حک بر مزارش سروده بود زینت یافت. بدین ترتیب زندگی کوتاه پروین اعتصامی خاتمه یافت.

برای تشریح خصوصیات و شخصیت هر فرد بررسی اجتماع و محیط خانواده اش اهمیت دارد. شرایط اجتماعی بر زندگی افرادی جامعه تأثیری فراوان دارد. هم چنین محیط خانواده سازنده شخصیت هر فرد قبل از ورود به اجتماع است که پس از آن نیز این تأثیرات ادامه خواهد یافت.

جامعه ای که پروین بدان تعلق داشت از شرایط اجتماعی درست و کاملی

برخوردار نبود. پادشاهان قاجار که مصمم بودند بر ایرانی سیه روز فرمانروایی کنند در سال ۱۱۵۸ شمسی تا ۱۳۰۴ بعدت ۱۵۰ سال بر این سرزمین حکومت نمودند. شاهان و بسیاری از شاهزادگان خویشترن را در ثروت و ناموس و دار و ندار مردم سهیم می‌دانستند - استبداد - ظلم و جور سلسله قاجار ملت را ضعیف نموده به فلاکت کشانده بود. معدود وزیران ترقی خواه و میهن پرست مانند قائم مقام فراهانی و امیرکبیر توسط سلاطین خود کامه و خویشان فرومایه و حسود آنان به مرگ محکوم گشتند. مردم پس از سالیان دراز از بیرحمی و شقاوت و شرارت حکام بستوه آمدند و با هدایت رهبران مذهبی و رجال میهن پرست بر علیه دستگاه سر به شورش برداشتند که منجر به انقلاب مشروطیت به سال ۱۲۸۴ گردید. بعد از سالیان دراز سرکوبی و اختناق جامعه ایرانی و اهل ادب و شعر در بین سالهای ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ از آزادی بیان بهره مند گشتند. محمدعلی شاه با به توپ بستن مجلس این آزادی نشو و نمایافته را منکوب ساخت و بساط حکومت مردم بر مردم را برچید. دست فرزندش احمدشاه با کودتای سوم اسفند رضاخان از اداره مملکت کوتاه و سپس به سال ۱۳۰۴ رسماً از سلطنت خلع گردید. رضاخان دوره ای جدید از دیکتاتوری را آغاز نمود که در آن ملت ایران از فقدان آزادی در رنج بود و از مزایای اجتماعی دموکراتیک محروم گشتند. ظلم و استبداد سلسله قاجار بهمان وضع سابق در سلسله پهلوی ادامه یافت. رضاخان با به وجود آوردن قشون قدرت را به دست گرفت و شاه شد. او همه عوامل قدرت را در دست داشت چنانکه حتی قبل از رسیدن به سلطنت قادر بود آنچه را اراده می‌نماید بر مملکت تحمیل کند. امیران قشون را بعنوان حکمرانان بر ایالات منصوب نمود که فقط جوابگوی شخص او بودند. شبکه ای نظامی با مأمورین خفیه نویس و جاسوسی بر سراسر مملکت گسترده شد. قبلاً آزادیخواهان و نویسندگان دارای تشکیلات و اثراتی بودند ولی وجود تشکیلات نظامی در زندگی اجتماعی این ملت وضع نوظهوری بود. ظلم و استبداد تازه جای جور و ستم سلسله قاجار را فرا گرفت و برخلاف نوایای عالیه اصول قانون اساسی، قوانین نظامی استبداد مدهشی را مستقر ساخت. رضاخان بعد از ظهور و به دست آوردن عنوان شاهنشاهی به اصطلاح اصلاحات تازه ای را آغاز نمود و تشکیلات نوی بوجود آورد تا بدان وسیله قیافه مملکت را پس از آنهمه عقب ماندگی تغییر دهد. بهر حال بسیاری از این نوآوری ها بشدت سطحی بودند و اندک تغییری در بهبود شرایط زندگی مستضعفین و توده های روستائین بوجود نیاورد. بسیاری از مخالفین دستگاه و در میان آنان

شعراى مشهور به خيلى موافقين پيوستند و اين اصلاحات را تحسين نمودند و پيشرفت هاى فنى را ستايش كردند اما پروين با پذيرفتن موضع پدرش نظاره گر اوضاع بود و خاموشى پيشه ساخت. رضاخان با نويد نوسازى و تحول فقط ظاهر کشور را آرامت و در زير اين پوشش فرينده فقر و بيسوادى مانند سابق برقرار بود.

اعمال ديكتاتورى براى مدت زمان كوتاهى فرونشست - مرگ پروين شش ماه پيش از هجوم نيروى متفقين به ايران صورت گرفت. اين واقعه نه تنها اثرات زيادى در اوضاع سياسى ايران داشت بل بطور غيرمستقيم در شرايط اجتماعى نيز تغييرات مهمى به وجود آورد. استعفاى رضاخان در شهريور ۱۳۲۰ و خروج او از مملكت رفع سانسور روزنامه ها و آزادى قلم را در پى داشت لذا زندگى ادبى اربابان قلم و اندیشه با تحول عظيمى روبرو گشت. عرضه افكار و عقايد جديد - پديد آمدن جنبش ها - تاسيس انجمن ها - ايجاد روزنامه ها و انتشار مجلات تازه فزونى گرفت. شعرا و نويسندگان مشهور فعاليت هاى ادبى خود را از سر گرفتند - تعدادى چهره جوان در عرصه ادب با افكار و عقايد خاص خود فعاليت آغاز كردند. ادبيات زندگى جديدى را با تحرك بيشتري - روشن بينى - آغاز نمود. تعداد بسيارى از منابع ادبى غربى به فارسى ترجمه شد. احزاب سياسى آزادى نسبي يافتند. ارتباط باز و وسيع بنا اروپا و آمريكا فزونى گرفت. چنان وضعى از فعاليت هاى سياسى و اجتماعى ايجاد شد كه براى مردم بكلى ناشناخته بود. عمر پروين براى درك اين تغييرات ادبى - اجتماعى و سياسى وصال نداد اما از اين بابت نبايد متاسف باشد زيرا با مستحكم شدن وضع محمدرضا بر اريكه سلطنت و با ازدياد نفوذ و كسب قدرت فائقه اختناق و سرکوبى ديرينه دگرگيار بر اين مملكت تحميل شد.

لازمست موقعيت زنان را در ميان تمام اين تغييرات سياسى كه بدانها اشاره شد مورد توجه و دقت قرار داد. بنا بر رسوم قديمى زنان در اجتماع ايران از موقعيت والائى برخوردار نبودند. با وجوديكه زنان با خانه دارى - پرورش فرزندان و حتى در برخى نقاط کشور با شركت فعال در توليد و يارى به درآمد خانواده سهمى عمده در اداره زندگى خانواده بعهده داشتند حقوقشان شناخته نشده بود. زنان در اواخر دوره قاجاريه نقش فعالى در جريانات سياسى و اجتماعى برعهده گرفتند. بعنوان نمونه در جريان تحريم تنباكو زنان قويترين پشيبانان آن بودند. و چنان نفوذى اعمال نمودند كه حتى تنباكو در قصرهاى سلطنتى به علت دستور و رأى زنان حرمسراى شاهى مصرف نمى شد. در انقلاب مشروطيت

به سال ۱۲۸۴ زنان به موازات حرکت مردان در شورش و طغیان عمومی سهیم گشتند اما به علت عدم پیشرفت فکری و آموزشی پاداش غیرعادلانه‌ای در نهضت دریافت داشتند. بهر حال بنیان تمام پیشرفت‌ها و ترقیات حاصله، در سالهای بین ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۴ در دوران حکمرانی رضاخان بکلی نیست و نابود شد. البته در آن زمان بعضی انجمن‌های بانوان و گروه‌های متشکله زنان از قبیل انجمن آزادی، فعالیتی داشتند تا وضع آموزشی و اجتماعی زنان را بهبود بخشند. بعنوان مثال اولین مرکز بانوان که یکی از اعضای بنیات‌گذار آن پروین بود بسال ۱۳۱۴ تأسیس شد تا آموزش‌های لازم را در اختیار اکابر زنان قرار دهد و نحوه تربیت صحیح را بدانان بیاموزد.

به طور کلی در موقعیت اجتماعی زنان در طول عمر پروین تغییرات موثر و قابل توجهی پدیدار گشت. اغلب این پیشرفت‌ها در اثر مجاهدات بانوان طرفدار حقوق زن و خواست آنان برای آزادی زنان حاصل گردید نه در نتیجه اقدامات رژیم - زیرا هدف رژیم بیشتر غربی نمودن ظاهر زنان بود تا آموزش واقعی آنان. خصائص اخلاقی خانواده پروین را می‌توان مهمترین عاملی دانست که در ساختار زندگی او تأثیر داشته است. در دوران هرج و مرج سالهای ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ و بعد از آن آرامش و اطمینان خاصی در خانواده پروین حکمفرما بود که سبب می‌شد او از پشتیبانی و حراست کافی برخوردار باشد. برادرش ابوالفتح حال و هوای موجود در خانواده را اینگونه شرح می‌دهد: «در خانواده آرام و بی ادعا و متواضع و متمسک ما پروین چیزی کیم نداشت. در تمام طول زندگانش پدر و مادر و برادران پروانه وار بدور شمع وجود او می‌چرخیدند. از صمیم قلب برای برآورده شدن آرزوها و نیازهایش کوشش بعمل می‌آمد. بسختی می‌توان دختری را یافت که این همه محبت، ستایش و احترامی که از طرف اعضای خانواده نسبت به پروین ابراز می‌شد تجربه کرده و از آن لذت برده باشد.»

حضور پروین در دوره و گردهم آیی ادبی پدر و یارانش بمیزان زیادی برزندگی و شخصیت او اثر گذاشته است. اعضای گروه ادبی میرزا یوسف طرفدار شعر به سبک کلاسیک بودند و برعکس از شعر جدید شاعرانی جوان چون نیما یوشیج دوری می‌گزیدند. بدرستی معلوم نیست پروین شعری از نیما را مطالعه کرده یا نه اما قطعاً هیچ گونه نشانه‌ای از تأثیر اشعار نیما بر کارهای پروین دیده نمی‌شود. بنا بر آنچه گفته شد در اثر حمایت‌های بیدریغی که از پروین می‌شد، بخصوص ستایشهای فراوانی که از جانب اعضای خانواده

به او ابراز می‌گردید و نیز وابستگی خاصی که با گروه ادبی متشکله در خانه پدری داشت از پروین شاعره‌ای، یا بهتر بگوییم بزرگترین شاعرهٔ سبک کلاسیک زبان فارسی را ساخت.

حال باید حقایق و پرداخته‌های اجتماعی را که بر ساختار زندگی و شخصیت پروین اعتصامی اثر داشته مورد توجه قرار دهیم. به نظر می‌رسد خانواده‌اش جامع دو روش موجود بوده است. زندگی مدرن و رعایت رسوم و عادات.

برخی رویدادها مانند دفن پروین و میرزا یوسف در مقبره خانوادگی نزدیک بقعه متبرکه در شهر مقدس قم معتقدات مذهبی آنانرا آشکار می‌سازد. پایبندی پروین به عادات و رسوم معمول و همچنین تربیت شرقی او نشانه دیگری است بر این حقیقت. ملاحظات یکی از کسانی که با او مصاحبه‌ای داشته است مؤید این نظر است. شخص مذکور می‌نویسد پروین در هنگام مصاحبه در تاریکترین گوشه اطاق نشسته بود و چادر صورتش را کاملاً پوشانده بود. وقتی شخص مصاحبه‌کننده برای دست‌دادن موقع خداحافظی دستش را بسوی او دراز کرد پروین نزدیک بود از شوک حاصله این عمل قالب تهی کند.

از طرف دیگر باید دانست اصرار و پشتیبانی خانواده او در ملایم‌بودن روشش در دنیای شعر تأثیر فراوانی داشته است. در طبقهٔ اعیان همچنین مرفهین طبقهٔ متوسط زنان می‌بایست به ظاهر متجدد باشند. تجدیدی که با تعاریف متجددمآیی رژیم رضاخان توافق داشته باشد. لباس را بر طبق مد اروپایی بپوشند. در صحبت و رفتار خود را پیشرفته نشان بدهند در حالیکه عقول آنان هنوز عقب مانده و بی اطلاع باقی مانده بود.

گرچه پروین بظاهر در لباس پوشیدن و سلوگ و رفتار همان زن نمونه شرقی بود ولی به باطن تحصیل کرده و کاملاً مطلع بود. شخصیت او بازتاب مستقیم ستیز بین تجدد و رعایت آداب و رسوم قدیمی بود که دائماً در خانواده او جریان داشت.

باید نفوذ مواضع متخذه در جامعه بر پروین و کارهایش مورد توجه قرار داده شود. اجتماع آن روز تنها به بانوان فرصت می‌داد بر هم جنسان برتری جویند. زنان تنها به تکمیل تحصیلات خود در سطوح بالای دانشگاه پرداختند. در بسیاری از خانواده‌ها موفقیت یک بانویا دختر بازتاب از تسلط بازداشتن اعضای مرد خانواده بود. با وجودیکه چند گروه متشکل از زنان و مراکز بانوان به وجود آمده بود معیناً تشویق و تحریض‌های لازم و پشتیبانی کافی از زنان معمول نمی‌داشتند. ممکن است وضع هنرمندان را بازگو کرده

بگویند در آن موقع هنرمندان مرد می‌بایست در پشت پرده اجرای نقش نمایند بدون آنکه تماس لازم بین تماشاگران و هنرمند وجود داشته باشد. در صورتیکه زنان هنرمند از آزادی بیشتر و شناخته شدن برخوردار می‌شدند. اما تاریخ درست عکس آنرا ثابت می‌کند. در طول ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون ایران تنها چند شاعره از قبیل مهستی گنجوی - نیمتاج خاتون - ایران‌الدوله - فخری عدیل فخری - قره‌العین - و پروین اعتصامی خود را مطرح ساختند. این مطلب موضوعی را اثبات می‌کند و آن اینکه: زنان مبارز به احتمال زیاد توسط افراد خانواده خود که نمی‌توانستند استقلال فکری زنانرا تحمل نمایند مایوس و متنبه شده‌اند. کاملاً تعجب‌آور است چند شاعره یادشده چگونه توانسته‌اند خود را در چنین محیطی بشناسانند. پروین با پشتیبانی افراد خانواده‌اش که دارای فکری باز و روحیه‌ای متعادل بودند توانست سدهای اجتماعی زمان خود را بشکند و خویشتر را بعنوان چهره مشهور ادبیات به جامعه ایرانی معرفی کند.

با وجود رعایت آداب و رسوم توسط خانواده وی از یک طرف و در عین تجدد محافظه‌کار بودن از طرف دیگر مشکل است خصوصیات واقعی و شخصیت حقیقی پروین را کشف نمود ولی آنچه درباره‌ی او کاملاً روشن است پروین با هوش بسیار و با استعداد و خوش ذوق بوده است. وقتی اولین قطعات شعر وی در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ در مجله بهار منتشر شد خوانندگان بسختی می‌توانستند باور کنند یک دختر اعجوبه ۱۴ ساله سراینده آنهاست. بعداً او قطعه شعری سرود تا کج فهمی‌های اجتماع درباره‌ی جنس زن را روشن سازد. او به ادبیات فارسی و عربی تسلط داشت. بررسی مجموعه اشعارش که در دیوان پروین اعتصامی بچاپ رسیده و در ۵ هزار نسخه منتشر شده است شاهد صادقی از مردمی بودن کارهایش می‌باشد. برخی نویسندگان معتقدند با وجودیکه اشعاری درباره‌ی مواضع اجتماعی و معنوی سروده است کم و بیش از جدال‌تئوریهای زمان خود را برکنار نگهداشته است. آنچه مسلم است او (و پدرش) از مواضع سیاسی زمان، خود را دور نگهداشتند و خود را بدانها آلوده نساختند اما درست نیست معتقد گردیم که از گرفتاریهای سیاسی هم وطنانش غافل بوده است. سکوت او را می‌توان نوعی اعتراض به رژیم تعبیر نمود که با امتناعش از مدح و ستایش شاه و اصلاحات او تأیید می‌گردد. پروین به روش‌های گوناگون اعتراض خود را بیان می‌داشت. او از تمثیل و رمز و افسانه‌های ادبیات فارسی سود می‌جست و با اشاره و استعاره به مشکلات اجتماعی فکر خود را به خوانندگان منتقل

می ساخت. اشعارش پیرامون ارزش های اساسی و انسانی مانند بزرگی، عدالت، درستی، پاکی دور می زد که درست همین کیفیت ها یا فقدان آنها در قلب مشکلات ملت قرار داشت.

افراد دغل، قضات فرومایه و حکمرانان خودخواه بوجود آورنده مصائب و مشکلات در ایران بوده اند و تنها با بازگشت این ارزشهای انسانی است که کشور می تواند محفوظ بماند. گفته شده است به جرأت می توان گفت اگر او بیشتر می زیست می توانست عمق بیشتری به افکار و عواطف در کارهایش ببخشد. بدون شک تحقیقات انجام شده به تنهایی کفایت می کند که گفته شود، آنچه بوده نباید از زیبایی کارهایی که از او به یادگار مانده است بکاهد. ملک الشعرای بهار شاعر مشهور اوایل قرن بیستم بر روی این نکته صحه می گذارد با این گفته خود: «اگر اشک سفر تنها یادگار این شاعره شیرین سخن بود کافی بود کرسی ممتازی در دیوان شعر و شاعری و ادبیات راستین بدو تعلق گیرد.»

پروین به مواضع مهمه اجتماعی نه تنها با روشی پرسر و صدا و آشکار اشارت نمی نماید بلکه با طریق مختص به خود آنها را مطرح می سازد. شاید به همین دلیل خانواده ها و مردم او را شاعره خویش می دانند.

پروین بدرستی بعنوان شخصی ملایم و شیرین سخن معرفی شده است. از میان بسیاری از این اظهار نظرها نوشته محمد اسحق را درباره او ذکر می کنیم که می گوید:

«پروین نمونه یک زندگی ساده با افکار بی بلند بود. او یک بانوی مترقی، با ارزش و خوش قلب بود، به دوستانش عاطفه زیاد نشان می داد اما بخشی را نیز محفوظ نگه می داشت.»

این خصوصیتی بود که از زمان طفولیت با خود داشته است. لازم است در نظر داشته باشیم که در زیر آن ظاهر نرم یک اراده آهنین قرار داشت. نباید فراموش شود پروین از اولین طرفداران حقوق زنان در ایران بود و یکی از اعضای بنیانگذار مرکز بانوان. بعداً برای مدتی مرکز بانوان را بعلت اختلافات کوچکی ترک نمود. کسی علت واقعی این سرخوردگی را نمی داند از چه بوده است. اشاره بعمل آمده از طرف شخص پروین بدین موضوع حاکی است که علت اختلاف سلیقه بوده است. می گوید: وقتی جنبش زنان تمام آرزوها و اهداف او را دربر داشت دارای این توانائی نبوده تا سهمی در آن بعهده بگیرد... یا آنکه «اغلب رهبران جنبش چنان از نظر گفتار و کردار کج سلیقه و گناهکار بودند که او

نمی‌توانست آنها را بپذیرد. باید بخاطر داشت در دوره بعد از انقلاب مشروطیت پروین افکار، عقاید و مقاصد زنان را در مجله دانش منتشر می‌نمود. این مجله زنان تازه انتشار یافته بود. بدین ترتیب او اهداف جنبش زنان را برای زنان باسواد روشن می‌ساخت. فراموش نشود به سال ۱۳۱۵ وزیر فرهنگ مدال درجه سوم را به او اهدا می‌نماید اما پروین با سربلندی تمام آنرا نمی‌پذیرد.

عدم قبول عنوان شاعره دربار و معلم خصوصی ملکه یکی دیگر از این گونه استنکاف‌ها است که هرگز نباید از یادشان برد. وانست شیآن پروین را در موقعیتی ملاقات کرده و تصویر جالبی از او بدست می‌دهد و بر خصوصیات بارز پروین تأکید می‌کند:

او یک ایرانی بسیار بافضیلت است. در نوشته‌ها و آثار اهل تصوف صاحب نظری قابل احترام است. او تعلیم زبان و ادبیات به ملکه دربار را رد نمود و قبول نکرد. این نشان از تصمیمی قاطع دارد. اتخاذ این موضع بسیار سخت و دشوار است. علی‌الخصوص که دستور مستقیم شخص رضاخان باشد با آن پرخاش‌گری‌های مشهورش و خشم‌های غیرقابل تحملش — با تحسین فراوانی تحت تأثیر او قرار گرفتیم. خانواده پروین از این تصمیم او پشتیبانی نمودند. رضاخان که عادت به تحمل مخالفت حتی بالاترین مقام کشور را نداشت مجبور شد در مقابل این دختر کوچک جثه و مصمم کوناہ بیاید — مجبور کردن پروین برای قبول پیشنهاد خطرناک بود و پروین آنقدر زیرک بود که آنرا درک نماید.»

ملاحظه می‌شود این واقعه صفات پروین از قبیل زیرکی، ایستادگی در رأی و عقیده را روشن می‌کند. بنابراین واضح شد که کمروزی او خجولی بازتاب خصوصیات درونی او نبوده است. همچنین این واقعه ایستادگی و قدرت پروین را مشخص می‌سازد.

برنامه رضاخان آن بود که پروین بعنوان شاعره دربار — معلم خصوصی ملکه و شاید بعداً معلم ولیعهد بشود — برای تشویق بیشتر، رضاخان برای پروین پیغام فرستاد که او اجازه دارد تاریخ ایران را بعد از صرف شام با صدای بلند برای شاه بخواند.

برای پروین خانه‌ای مخصوص در کاخ مهیا شد — پاداش و حق الزحمه کلان برایش در نظر گرفته شد — موقعیت آنرا پیدا می‌نمود که نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر روی ملکه و اعضای خانواده سلطنتی داشته باشد. اینها جزئی از امتیازاتی بود که برایش در نظر گرفته شده بود. پروین سه بار این پیشنهادات را رد نمود هر دفعه مصمم‌تر از دفعه قبل

«من هرگز به آن کاخ داخل نمی‌شوم». این جواب او بود با سرسختی هر چه تمام‌تر. این حقایق ما را متوجه می‌سازد که در زیر آن ظاهر آرام درستی و صداقت وجود داشت که از خاطر مردم نخواهد رفت. آخرین نور درخشان ساطعه از پروین شعرهای اوست.

همه و همه پروین را آنچنان که بود ساختند. پس روشن شد که ظاهر آرام و پر از لطف او تنها خصوصیت او نبوده و وی در شعرهایش با روش خاص خویش بر ضد ظلم — استبداد مبارزه می‌نمود. همچنین روشن شد که او زنی راست و درست کردار بود و قدرت روحی عظیمی داشت بطوریکه در مقابل رضاخان ایستادگی کرد. پروین اعصامی گرچه این جهان را ترک کرده است اما اشعارش که برخاسته از ذوق و استعدادی خداداد و سلیم‌اند، نام و خاطره‌اش را در ادب ایران و تفکر ایرانی، جاودانه می‌سازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی